

August-September 2022, Volume 11, Issue 4

Pattern of Structural Equations of Pathological Narcissism Based on Knowledge of Objectivism and Harmful use of Social Networks Mediated by Beliefs about Appearance in Women and Men

Sara Ramezani Solegani¹, Reza Johari Fard^{2*}, Sasan Bavi³

1- PhD Student in Psychology, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

3- Assistant Professor, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Corresponding author: Reza Johari Fard, Assistant Professor, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Email: rjoharifard@gmail.com

Received: 21 Jan 2022

Accepted: 10 July 2022

Abstract

Introduction: Social networks provide a platform for narcissism and self-objectification experiences. Therefore, the present study aimed to determine the pattern of structural equations of pathological narcissism based on knowledge of objectification and harmful use of social networks mediated by beliefs about appearance in women and men.

Methods: The present research method was descriptive-correlational. The statistical population of this research included all men and women over 18 years old in Ahvaz city, and 298 of them were selected using the convenience sampling method through social networks. Data collection instruments were demographic questionnaire, "Pathological Narcissism Inventory", "Objectified Body Consciousness Scale", "Generalized Pathological Internet Use Scale" and "Beliefs about Appearance Scale". Instrument validity was performed using content validity by qualitative method and reliability by internal consistency method by Cronbach's alpha calculation. Data analysis was performed using SPSS. 24 and Amos. 24.

Results: The proposed model for women and men had a good fit. Also, knowledge of objectification with on pathological narcissism was significant in the female group, but not significant in the male group. Harmful use of social networks with on pathological narcissism was significant in both men and women. Awareness of objectification and harmful use of social networks with beliefs about appearance were significant in men and women ($P < 0.01$). Among the indirect pathways, beliefs about appearance can significantly mediate the correlation of objectification awareness and the harmful use of social networks with pathological narcissism men, but were not significant in women.

Conclusions: Gender significantly modulates the effect of objectification awareness on beliefs about appearance in men. Also, gender significantly modulates the effect of harmful use of social networks on pathological narcissism in women. It is suggested that psychologists and health professionals pay attention to the role and relationships between these variables.

Keywords: Narcissism, Body, Social Networking, Appearance, Gender.

الگوی معادلات ساختاری خودشیفتگی مرضی بر اساس آگاهی از تن شیء انگاری و استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی با میانجی گری باورها در مورد ظاهر در زنان و مردان

سارا رضانی سولگانی^۱، رضا جوهری فرد^{۲*}، ساسان باوی^۳

۱- دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲- استادیار، گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۳- استادیار، گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

نویسنده مسئول: رضا جوهری فرد، استادیار، گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
ایمیل: rjoharifard@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱

چکیده

مقدمه: شبکه های اجتماعی بستری را برای خودشیفتگی و تجربیات مربوط به خود شیء انگاری را فراهم می کنند. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین الگوی معادلات ساختاری خودشیفتگی مرضی براساس آگاهی از تن شیء انگاری و استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی با میانجی گری باورها در مورد ظاهر در زنان و مردان انجام شد.

روش کار: روش پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل همه زنان و مردان بالای ۱۸ سال شهر اهواز بود که به روش نمونه گیری در دسترس از طریق شبکه های اجتماعی، ۲۹۸ تن از آن ها انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه جمعیت شناختی، "سیاهه خودشیفتگی مرضی" (Pathological Narcissism Inventory)، "مقیاس آگاهی از تن شیء انگاری" (Objectified Body Consciousness Scale)، "مقیاس کاربری مشکل زا از اینترنت" (Generalized Pathological Internet Use Scale) و "مقیاس باورها در مورد ظاهر" (Beliefs about Appearance Scale) بود. روایی ابزارها با استفاده از روایی محتوای به روش کیفی و پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ انجام شد. تحلیل داده ها با استفاده از اس پی اس اس نسخه ۲۴ و آموس نسخه ۲۴ صورت گرفت.

یافته ها: الگوی پیشنهادی برای گروه زنان و مردان از برازش مطلوبی برخوردار بود. همچنین آگاهی از تن شیء انگاری با خودشیفتگی مرضی در گروه زنان معنادار، اما در گروه مردان معنادار نشد. استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی با خودشیفتگی مرضی در گروه زنان و مردان معنادار شد. آگاهی از تن شیء انگاری و استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی با باورها در مورد ظاهر در گروه مردان و زنان معنادار شد ($P < 0.01$). در بین مسیرهای غیر مستقیم باورها در مورد ظاهر به طور معناداری می تواند همبستگی آگاهی از تن شیء انگاری و استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی با خودشیفتگی مرضی در مردان را میانجی کند، اما در زنان معنادار نبود.

نتیجه گیری: جنسیت به طور معناداری اثر آگاهی از تن شیء انگاری بر باورها در مورد ظاهر در گروه مردان تعدیل می کند. همچنین، جنسیت اثر استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی بر خودشیفتگی مرضی را به طور معناداری در گروه زنان تعدیل می کند. پیشنهاد می شود که روانشناسان و متخصصان در حوزه سلامت به نقش و روابط موجود بین این متغیرها توجه داشته باشند.

کلیدواژه ها: خودشیفتگی، تن، شبکه های اجتماعی، ظاهر، جنسیت.

مقدمه

مفهوم خودشیفتگی تاریخچه ای گسترده در حوزه روانشناسی شخصیت و بالینی دارد و در پژوهش های بالینی و غیر بالینی توصیف های متفاوتی داشته است و با توجه به علاقه پژوهشگران به این واژه پرسش های بی پاسخی در خصوص ماهیت این سازه وجود دارد (۱،۲). نظریه پردازان Kernberg & Kohut اظهار می دارند که خودشیفتگی دارای ۲ جنبه سالم و آسیب شناختی می باشد که بیانگر سازماندهی سازگارانه و ناسازگارانه شخصیت، نیازهای روانشناختی و سازوکارهای نظم دهی که به تفاوت های فردی در مدیریت نیازها برای خودفرونی و کسب تأیید اشاره دارد (۳،۴).

در مطالعات اخیر یکی از موضوعات جذاب و بحث برانگیزی که با خودشیفتگی در ارتباط بوده، آگاهی از تن شیء انگاری می باشد (۵،۶). نظریه شیء انگاری را اولین بار Fredrickson & Robert مطرح کردند؛ آن ها بر این نظر بودند که فرهنگ خود شیء انگاری، زنان و دختران را به گونه ای پرورش می دهد که با خود همانند یک شیء رفتار کنند که مردان همواره باید به آن ها نگاه کنند یا آن ها را از نظر جنسی ارزیابی کنند (۷). احساسی که فرد از خودش دارد منعکس کننده شیوه ای است که دیگران به او نگاه جنسی کرده یا رفتار می کنند، نظریه شیء انگاری (۷) یک چهارچوب را برای درک عواقب احتمالی زن بودن در جوامع غربی، یعنی در جایی که بدن زنان به عنوان شیء در نظر گرفته می شود، ابتدا بر اساس شکل ظاهری ایجاد می نماید، به آن توجه می شود، و بر اساس آن نظرات مورد ارزیابی قرار می گیرد (۵،۸،۹). McKinley & Hyde سه مؤلفه اصلی از آگاهی از تن شیء انگاری را عملیاتی کردند، نظارت بر بدن یک تفکر مداوم و نظارت بر خود را به صورت دائم و با فرض یک دیدگاه ناظر خارجی به منظور تطبیق با استانداردهای بدنه فرهنگی و جلوگیری از قضاوت های منفی در مورد فرد ارائه می نماید. اصطلاح شرم از بدن (body shame) نیز ناشی از مقایسه با استانداردهای فرهنگی و تصور عدم موفقیت در برآورده نمودن این استانداردها می باشد. در نهایت، باور مربوط به کنترل ظاهر بدن (appearance control beliefs)، به آن دسته از باورهایی اشاره می کند که افراد، مسئول نگاه بدنی آن ها هستند و با تلاش کافی، می توان ظاهر جسمی آن ها را کنترل کرد (۱۰).

پژوهش ها نشان می دهند که بین خودشیفتگی با آگاهی از تن شیء انگاری همبستگی وجود دارد (۱۱،۱۲،۱۳). با این حال، تعداد روزافزونی از مطالعات انجام شده، این موضوع را به صورت برجسته بیان نموده اند که خود شیء انگاری، و باورهای متعاقب آن توسط مردان نیز، بویژه در دوره نوجوانی تجربه می شود (۸،۹،۱۴).

در چند سال گذشته، محبوبیت روزافزون استفاده از رسانه های اجتماعی و افزایش زیاد تعامل نوجوانان و جوانان در شبکه های اجتماعی (۵،۱۵،۱۶) پژوهشگران را به سمت استفاده از سایت های شبکه های اجتماعی به عنوان یک رسانه جدید و بسیار در دسترس برای معاشرت با تجارب در مورد خودشیء انگاری و آگاهی از تن شیء انگاری، هدایت نموده است (۱۳،۱۴،۱۷،۱۹). استفاده آسیب زا از اینترنت، نشان دهنده الگوی مشخصی از شناخت ها و رفتارهای مرتبط با اینترنت است که شامل صرف وقت زیاد، ناتوانی در کنترل و کاهش استفاده از اینترنت، وجود نشانگان انزوا هنگام عدم استفاده از اینترنت، احساس راحتی و مدیریت بهتر رفتار در تعامل آنلاین به جای تعامل چهره به چهره و همچنین استفاده از اینترنت به خاطر تغییر در خلق منفی می شود که به دنبال این آسیب ها مشکلات شخصی، شغلی و اجتماعی و غیره نیز به وجود می آید (۲۰).

پژوهش های اخیر در زمینه شبکه های اجتماعی آسیب زا و خود شیفتگی انجام شده است که رابطه بین آن ها را تایید کرده است (۱۲،۲۱،۲۳). با توجه به فرصت نمایش برای بزرگ نمایی فردی در سایت های شبکه های اجتماعی، پیشینه پژوهشی علمی اخیر به طور روزافزونی بر روی خودشیفتگی و ارتباط آن با استفاده از شبکه های اجتماعی تمرکز نموده است. در واقع، سایت های شبکه های اجتماعی، محیط های ایده آلی را برای دستیابی به اهداف خودشیفتگی، با توجه به فرصت کنترل ارائه خود در این بسترها ارائه می نمایند (۱۲،۲۴). بویژه افراد خودشیفته، تمایل به این موضوع دارند که کاربران فعالی در سایت های شبکه های اجتماعی باشند (۲۵،۲۶). امروزه در سراسر دنیا، توجه به ظاهر و زیبایی های چهره و اندام از اهمیت به سزایی برخوردار است، از این رو، باورها در مورد ظاهر، یک عامل جذاب و بحث برانگیز می باشد، اصطلاح باورها در مورد ظاهر یک سازه شناختی است و نگرش های مرتبط با ظاهر فرد در زندگی روزمره اش را در بر می گیرد (۲۷). باورها در مورد ظاهر ارتباط بین تصویر بدنی و طرح واره های ظاهر که از نگرش های ناکارآمد غیر منطقی

با میانجی‌گری باورها در مورد ظاهر در زنان و مردان انجام شد.

روش کار

روش پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری شامل همه زنان و مردان بالای ۱۸ سال شهر اهواز سال ۱۴۰۰ بودند. در خصوص تعداد نمونه جهت آزمون الگوی پیشنهادی و فرضیه‌های پژوهش، نمونه‌ها شامل ۳۰۰ آزمودنی که ۱۵۰ نمونه مرد و ۱۵۰ نمونه زن برای هر گروه پیشنهاد بود، که به صورت نمونه‌گیری در دسترس از طریق شبکه‌های اجتماعی براساس جدول Krejcie & Morgan انتخاب شدند (۳۲). پرسشنامه‌ها به صورت آنلاین در شبکه‌های اجتماعی از قبیل اینستاگرام، واتساپ و تلگرام به اشتراک گذاشته شدند. به این ترتیب ۳۲۴ شرکت‌کننده (۱۶۴ زن و ۱۶۰ مرد) به پرسشنامه‌های آنلاین پاسخ دادند، که بعد از حذف پرسشنامه‌های ناقص و داده‌های پرت تک‌متغییری، چند متغییری و روابط پرت، تعداد پرسشنامه‌های باقیمانده بر روی ۲۹۸ شرکت‌کننده (۱۴۸ زن و ۱۵۰ مرد)، مورد تحلیل قرار گرفت. شاخص‌های توان آزمون و برازش الگو نشان‌دهنده کفایت تعداد نمونه بود.

معیارهای ورود عبارت بودند از داشتن حداقل ۱۸ سال سن، استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی، داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن جهت درک و پاسخگویی به سوالات، و رضایت آگاهانه نسبت به مشارکت در پژوهش. پاسخ‌ندان به هر کدام از پرسش‌ها نیز به عنوان معیار خروج در نظر گرفته شد.

ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش به این شرح می‌باشد. پرسشنامه جمعیت‌شناختی شامل جنس، سن و وضعیت تأهل، بود.

«سیاهه خودشیفتگی مرضی» (Pathological Narcissism Inventory)، این سیاهه توسط Pincus و همکاران در سال ۲۰۰۹ در ایالت متحده آمریکا تدوین شده است (۳۳). این ابزار خودگزارشی دارای ۵۲ عبارت است که بر اساس طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از این طوری نیستم (صفر) تا خیلی زیاد این طوری هستم (۵)، نمره‌گذاری می‌شود. این ابزار دارای ۷ مولفه است که شامل عزت نفس مشروط (contingent self-esteem) با ۱۲ عبارت (۲، ۵، ۸، ۱۶، ۱۹، ۳۰، ۳۲، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۴۷، ۴۸)، بهره‌کشی (exploitiveness) با ۵ عبارت (۴، ۱۰، ۱۵، ۲۳، ۳۵)، خودفرونی فداکارانه (self-

ساخته می‌شود را مشخص می‌کند (۲۹، ۲۸). براساس «نظریه شناختی رفتاری» (Cognitive-Behavioral Theory)، میزان درجه ارزیابی افراد از ظاهر خود بستگی به طرحواره‌هایشان در رابطه با ظاهر دارد. طرحواره‌های مربوط به تصویر بدنی به عنوان الگوهای شناختی برای ارزیابی ظاهر فرد و هیجانات مربوط به تصور از بدن به کار می‌رود (۳۰). تنها مطالعه در ایران که به مقایسه خودشیفتگی و باورها در مورد ظاهر پرداخته است پژوهش یآوری (۳۱) است. ایشان در پژوهش خود نشان داد که تفاوت معناداری در میزان خودشیفتگی بین گروه‌های ورزشکاران پرورش اندام حرفه‌ای و مبتدی بود، ولی میزان باورها در مورد ظاهر در گروه‌های تحت بررسی تفاوت معناداری را نشان نداد. علاوه بر این، نتایج بدست آمده در مطالعات (۱۲، ۱۳) درگیری زنان را در مورد نگرانی‌های مربوط به ظاهر بدن و همچنین، روش‌های مربوط به تهیه تصویر از خود، حتی اگر مشارکت مردان در آگاهی از تن‌شیء انگاری، قابل توجه باشد، تأیید می‌کند. به طور خلاصه می‌توان گفت که پژوهش‌های تجربی این موضوع را تأیید کرده است که زمینه‌های پژوهش در مورد تصویر بدن و شبکه‌های اجتماعی به شدت با یکدیگر مرتبط هستند، و به سرعت در حال تکامل یکدیگر می‌باشند، و روابط نزدیک بین مسائل مربوط به ظاهر بدن، استفاده از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی، آگاهی از تن‌شیء انگاری و خودشیفتگی را به طور برجسته‌ای بیان می‌کنند. پژوهشگران به طور عمده بر روی رابطه نزدیک استفاده از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی مشکل‌دار و خودشیفتگی تمرکز نموده‌اند و تنها تعداد اندکی از مطالعات، سازه باورها در مورد ظاهر در رابطه با خودشیفتگی را مورد بررسی قرار داده است. همچنین یک جنبه کمتر مورد مطالعه قرار گرفته بخصوص در جامعه مردان در زمینه‌ی خود شیء انگاری، که اخیراً مطالعات محدودی در این باره بوده می‌باشد (۵)، در مطالعات داخلی پژوهشی که این متغیرها را با هم بررسی کند یافت نشده است. با توجه به پیشینه فوق، به دلیل کمبود پژوهش‌ها و نتایج بحث‌برانگیز و همچنین تفاوت‌های کشف نشده مربوط به جنسیت افراد، به نظر می‌رسد برای روشن شدن روابط بین متغیر موجود، اجرای پژوهش‌های جدید ضروری می‌باشد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین الگوی معادلات ساختاری خودشیفتگی مرضی براساس آگاهی از تن‌شیء انگاری و استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی

خودشیفتگی مرضی ۰/۹۵ گزارش شد. (۳۴).
 در ایران «سیاهه خودشیفتگی مرضی» توسط سلیمانی و همکاران ترجمه شد. بررسی ویژگی های روانسنجی در نمونه ای با تعداد ۴۷۳ تن از دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه های شهر تهران انجام شد و ترجمه معکوس آن نیز به تأیید سازنده های ابزار رسیده است (۳۵).
 روایی سازه به روش روایی همگرا به روش همبستگی با «مقیاس عزت نفس روزنبرگ» (Rosenberg Self-Esteem Inventory) ۰/۳۷، «مقیاس چشم انداز اخلاق» (Visions of Morality Scale) ۰/۱۴، «سیاهه شخصیت سازمان» (Inventory of Personality Organization) مولفه های سیاهه شخصیت سازمان شامل: دفاع های اولیه (primitive defenses) ۰/۶۰؛ واقعیت سنجی مختل (impaired reality testing) ۰/۴۷؛ آشفتگی هویت (identity diffusion) ۰/۶۲؛ ارزش های اخلاقی پایین (low moral values) ۰/۴۵؛ پرخاشگری (aggression) ۰/۳۶ و همبستگی مثبت با «مقیاس تجربه شرم» ۰/۵۵ گزارش شد. همچنین، پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ با نمونه فوق برای زیر مقیاس های مذکور به ترتیب عزت نفس مشروط ۰/۸۹، بهره کشی ۰/۵۷، خودفزونی فداکارانه ۰/۷۳، پنهان سازی خود ۰/۶۴، خیال پردازی بزرگ ۰/۸۲، بی ارزش سازی ۰/۷۳، خشم حق طلبانه ۰/۷۸ و برای کل سیاهه خودشیفتگی مرضی ۰/۹۳ گزارش شد. ترشایی و همکاران در یک نمونه با ۶۸۲ تن (۲۹۲ زن، ۳۹۰ مرد) روایی سازه برای «سیاهه خودشیفتگی مرضی» به روش تحلیل عاملی مرتبه اول و دوم با هدف مطالعه ساختار عاملی بررسی کردند. تحلیل عاملی مرتبه اول، ۷ عامل تأیید شد و در ادامه به منظور دست یابی به ساختار عاملی دقیق تر، از روش تحلیل عاملی دوم استفاده شد و نتایج تحلیل عاملی دوم نشان داد ۷ عامل «سیاهه خودشیفتگی مرضی» بر روی ۲ بعد کلی خودشیفتگی بزرگ منشا نه و خودشیفتگی آسیب پذیر بار می گیرد. همچنین، پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ برای نمونه فوق به ترتیب عزت نفس مشروط ۰/۹۲، بهره کشی ۰/۷۷، خودفزونی فداکارانه ۰/۸۶، پنهان سازی خود ۰/۷۸، خیال پردازی بزرگ ۰/۹۰، بی ارزش سازی ۰/۸۴، خشم حق طلبانه ۰/۸۴ و برای کل سیاهه ۰/۹۵ به دست آوردند. (۳۶).
 «مقیاس آگاهی از تن شیء انگاری» (Objectified Body Consciousness Scale) توسط McKinley & Hyde سال

sacrificing self-enhancement) با ۶ عبارت (۰/۲۲، ۰/۲۵، ۰/۳۳، ۰/۳۹، ۰/۴۳)، پنهان سازی خود (hiding the self) با ۷ عبارت (۰/۰۷، ۰/۱۳، ۰/۲۸، ۰/۴۴، ۰/۴۶، ۰/۵۰)، خیال پردازی بزرگ (grandiose fantasy) با ۷ عبارت (۰/۰۱، ۰/۱۴، ۰/۲۶، ۰/۳۱، ۰/۴۲، ۰/۴۵، ۰/۴۹)، بی ارزش سازی (devaluing) با ۷ عبارت (۰/۰۳، ۰/۱۷، ۰/۲۱، ۰/۲۴، ۰/۲۷، ۰/۳۴، ۰/۵۱) و خشم حق طلبانه (entitlement rage) با ۸ عبارت (۰/۱۱، ۰/۱۲، ۰/۱۸، ۰/۲۰، ۰/۲۹، ۰/۳۷، ۰/۳۸، ۰/۵۲). این ۷ مولفه در ۲ بعد سطح بالاتر خودشیفتگی بزرگ منشا نه (grandiosity narcissism) با مولفه های خیال پردازی بزرگ، بهره کشی و خودفزونی فداکارانه و خودشیفتگی آسیب پذیر (vulnerability narcissism) با مولفه های عزت نفس مشروط، پنهان سازی خود، بی ارزش سازی و خشم حق طلبانه قرار می گیرند که همگی این ابعاد تحت عنوان خودشیفتگی مرضی مشخص می شوند. حداقل و حداکثر نمره در این ابزار صفر و ۲۶۰ می باشد، نمره بالاتر نشان دهنده خودشیفتگی مرضی می باشد. ابزار سطح بندی ندارد.

Pincus و همکاران در یک نمونه ۷۹۶ تن از دانشجویان ایالت متحده آمریکا با میانگین سنی ۱۹ تا ۲۳ سال، برای اندازه گیری روایی سازه به روش همگرایی «سیاهه خودشیفتگی مرضی» را با «سیاهه شخصیت خودشیفته» (Narcissistic Personality Inventory) ۰/۳۶، «مقیاس تجربه شرم» (Experience of Shame Scale) ۰/۵۵، «مقیاس خودشیفتگی بیش از حد حساس» (Hypersensitive Narcissism Scale) ۰/۶۲ و «سیاهه عزت نفس روزنبرگ» (Rosenberg Self-Esteem Inventory) ۰/۳۷ گزارش کردند. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ با نمونه فوق را برای مولفه های مذکور به ترتیب عزت نفس مشروط ۰/۹۳، بهره کشی ۰/۷۸، خودفزونی فداکارانه ۰/۷۹، پنهان سازی خود ۰/۷۵، خیال پردازی بزرگ ۰/۸۹، بی ارزش سازی ۰/۸۵، خشم حق طلبانه ۰/۸۹ و نمره کل سیاهه ۰/۹۵ گزارش شد (۳۳). در پژوهشی Wright و همکاران در یک نمونه ۲۸۰۱ تن از دانشجویان پنسیلوانیا روایی سازه برای «سیاهه خودشیفتگی مرضی» به روش تحلیل عاملی و ۷ عامل تأیید و گزارش کردند. همچنین، پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ مولفه های مذکور با نمونه فوق به ترتیب عزت نفس مشروط ۰/۹۳، بهره کشی ۰/۸۰، خودفزونی فداکارانه ۰/۷۸، پنهان سازی خود ۰/۷۹، خیال پردازی بزرگ ۰/۸۹، بی ارزش سازی ۰/۸۶، خشم حق طلبانه ۰/۸۷ و برای نمونه فوق نمره کل سیاهه

روایی سازه «مقیاس آگاهی از تن شیء انگاری» به روش تحلیل عاملی، ۳ عامل یافت شد و پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ نمونه فوق برای زیر مقیاس های مذکور به ترتیب نظارت بر بدن ۰/۷۶، شرم از بدن ۰/۷۰ و باورهای کنترل ظاهر ۰/۶۸ و برای نمره کل مقیاس ۰/۷۵ گزارش کردند (۳۹).

«مقیاس کاربری مشکل زا از اینترنت» (Generalized Pathological Internet Use Scale)، توسط Caplan در سال ۲۰۰۲ جهت سنجش میزان و شدت اعتیاد به اینترنت و اندازه گیری آسیب های احتمالی کلی ناشی از اعتیاد به اینترنت در ایالات متحده آمریکا تهیه شده است (۴۰). مقیاس دربردارنده ۲۹ عبارت و ۷ زیر مقیاس تغییرات در خلق (mood alteration) با ۵ عبارت (۱، ۲، ۳، ۲۲، ۲۶)، منافع اجتماعی دریافت شده از فضای آنلاین (benefits available Online perceived) با ۹ عبارت (۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۲۷، ۲۸)، کاربری اجباری اینترنت (compulsive Internet use) با ۷ عبارت (۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۶)، صرف وقت زیاد به صورت آنلاین (excessive amounts of time spent Online) با ۵ عبارت (۲۰، ۲۱، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱)، نشانگان ترک در زمان عدم دسترسی به اینترنت (withdrawal symptoms when away from the Internet) با ۷ عبارت (۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۲)، کنترل بین فردی در فضای آنلاین (available Online) با ۸ عبارت (۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۱۸، ۹، ۷)، و یک عامل مربوط به پیامدهای منفی مرتبط با استفاده از اینترنت (negative outcomes associated with Internet use) با ۷ عبارت (۲۶، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۱) می باشد. «مقیاس کاربری مشکل زا از اینترنت» دارای ۲۹ عبارت می باشد و ۷ زیر مقیاس، اما برای هر یک از زیر مقیاس از عبارت های تکراری استفاده شده است، لذا تعداد عبارات بیشتر از ۲۹ بنظر می آید. نمره گذاری این مقیاس لیکرت ۵ درجه ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) می باشد. حداقل و حداکثر نمره در این ابزار ۲۹ و ۱۴۵ می باشد، نقطه برش این پرسشنامه ۶۳، است به این معنا که اگر نمره کل فرد بالای ۶۳ باشد نشان دهنده اعتیاد به اینترنت آن فرد می باشد و هرچه این عدد به حداکثر نمره (۱۴۵) نزدیک شود، شدت اعتیاد فرد به اینترنت بیشتر است و هرچه کمتر از ۶۳ باشد (تا حداقل نمره که عدد ۲۹ است) فرد استفاده سالم تری از اینترنت دارد. ابزار سطح بندی ندارد. Caplan بررسی ویژگی های روانسنجی «مقیاس کاربری

۱۹۹۶ براساس نظریه Fredrickson و همکاران برای سنجش سازه تن شیء انگاری در ایالت متحده آمریکا طراحی کردند (۱۰). این مقیاس ۲۴ عبارت دارد و شامل ۳ زیر مقیاس نظارت بر بدن (body surveillance) با ۸ عبارت (۱ الی ۸)، شرم از بدن (body shame) با ۸ عبارت (۹ الی ۱۶) و باورهای کنترل ظاهر (appearance control beliefs) با ۸ عبارت (۱۷ الی ۲۴) است و عبارت های (۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۸، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴) معکوس نمره گذاری می شوند. این مقیاس براساس لیکرت ۷ درجه ای از کاملاً موافقم (۱) تا کاملاً مخالفم (۷) تنظیم شده است. حداقل و حداکثر نمره در این ابزار ۲۴ و ۱۶۸ می باشد و نمره بالا در هر کدام از زیر مقیاس نشان دهنده میزان بالای خود شیء انگاری است. ابزار سطح بندی ندارد.

McKinley روایی ملاک به روش همزمان در یک نمونه با ۵۰۲ تن از زنان جوان و ۱۵۱ تن زنان میانسال در ایالات متحده آمریکا سال ۱۹۹۶ از طریق همبستگی «مقیاس آگاهی از تن شیء انگاری» با «مقیاس عزت بدن» (Body Esteem Scale) ۰/۹۳، بود. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ با نمونه فوق برای زیر مقیاس های مذکور به ترتیب نظارت بر بدن، شرم از بدن و باورهای کنترل ظاهر ۰/۸۹، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ محاسبه شد (۱۰). در مطالعه ای دیگر، McKinley با نمونه از ۱۴۸ شرکت کننده زن آمریکایی در سال ۲۰۰۶ روایی ملاک به روش همزمان «مقیاس آگاهی از تن شیء انگاری» را با «مقیاس عزت بدن» ۰/۹۴ و پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ با نمونه فوق برای زیر مقیاس های نظارت بر بدن، شرم از بدن و باورهای کنترل ظاهر به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۹ و ۰/۷۵ گزارش کرد (۳۷).

افلاک سیر و ابراهیمی روایی ملاک به روش روایی همزمان برای نمونه ۲۱۲ تن از دانشجویان دختر شهر شیراز در سال ۱۳۹۳، از طریق همبستگی «مقیاس آگاهی از تن شیء انگاری» را با «مقیاس خودشیء انگاری»، بررسی و ۰/۵۸ گزارش کردند. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ نمونه فوق برای زیر مقیاس های مذکور به ترتیب نظارت بر بدن ۰/۶۹، شرم از بدن ۰/۷۲ و باورهای کنترل ظاهر ۰/۶۸ و برای نمره کل مقیاس ۰/۷۱ بود (۳۸). در پژوهش قمرانی و سلطانی در یک نمونه با ۴۰ تن از دانش آموزان ۱۲ تا ۱۵ سال شهر اصفهان که از طریق نمونه گیری در دسترس انتخاب شده بودند،

از دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه منطقه ۳ شهر تهران در ۲ گروه مداخله و کنترل انجام دادند و ۷ عامل تایید شد. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ بر روی نمونه پژوهش ۰/۸۹ گزارش دادند (۴۳).

«مقیاس باورها در مورد ظاهر» (Beliefs about Appearance Scale)، توسط Spangler سال ۱۹۹۹ در ایالات متحده آمریکا طراحی شد (۲۷). مقیاس شامل ۲۰ عبارت و ۴ زیر مقیاس روابط میان فردی (interpersonal relationship) با ۵ عبارت (۱ الی ۵)، تصور از خود (self-view) با ۵ عبارت (۶ الی ۱۰)، پیشرفت (achievement) با ۵ عبارت (۱۱ الی ۱۵)، و احساسات (feelings) با ۵ عبارت (۱۶ الی ۲۰) را می‌سنجد. این مقیاس در طیف لیکرت ۵ درجه ای (هرگز= صفر تا همیشه = ۴) مشخص می‌شود. حداقل و حداکثر نمره در این ابزار صفر و ۸۰ می‌باشد و نمره بالاتر نشان دهنده باورهای ناکارآمد بیشتر درباره ظاهر است. ابزار سطح بندی ندارد.

در پژوهش Spangler & Stice با نمونه ۴۲۶ تن از دانشجویان شهرهای کالیفرنیا، یوتا و بوستون در سال ۲۰۰۱ روایی ملاک به روش روایی همزمان از طریق همبستگی «مقیاس باورها در مورد ظاهر» را با «شاخص توده بدنی» (Body Mass Index) ۰/۸۳، «مقیاس چند بعدی ارتباط خود-بدن» (Multidimensional Body-Self Relations Questionnaire) ۰/۸۸، «مقیاس ناراضی‌تی از بدن» (Body Dissatisfaction Scale) ۰/۹۱، «پرسشنامه بررسی اختلال خوردن» (Eating Disorder Examination Questionnaire) ۰/۸۵ را گزارش کردند. همچنین، پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ با نمونه فوق برای زیر مقیاس‌های مذکور به ترتیب روابط میان فردی ۰/۸۱، تصور از خود ۰/۸۵، پیشرفت ۰/۷۴، احساسات ۰/۹۰ و نمره کل مقیاس باورها در مورد ظاهر ۰/۹۶ گزارش شد. (۲۷). در پژوهش Benuto و همکاران در سال ۲۰۰۷ با ۸۲ تن شرکت کننده (زن و مرد) در ایالات متحده آمریکا روایی سازه برای «مقیاس باورها در مورد ظاهر» با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، ۴ عامل تایید شد. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ را برای نمونه فوق ۰/۸۳ بود (۲۴).

در ایران طالع پسند و همکاران ویژگی‌های روانسنجی «مقیاس باورها در مورد ظاهر» با ۲۱۴ شرکت کننده (دختر و پسر) در گروه سنی (۱۴ تا ۲۹) در شهر زنجان

مشکل را از اینترنت» بر روی نمونه ای ۳۸۶ تن (۲۷۰ زن، ۱۱۶ مرد) با میانگین سنی (۱۸ تا ۵۷ سال) در شهر دلور ایالات متحده آمریکا، روایی ملاک به روش روایی همزمان را طریق همبستگی مقیاس مذکور را با «پرسشنامه استفاده بیمارگونه از اینترنت» (Pathological Internet Use Questionnaire) ۰/۸۷ گزارش کرد. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ نمونه فوق برای زیر مقیاس‌های مذکور به ترتیب تغییرات در خلق ۰/۸۳، منافع اجتماعی دریافت شده از فضای آنلاین ۰/۸۵، کاربری اجباری اینترنت ۰/۸۵، صرف وقت زیاد به صورت آنلاین ۰/۸۰، نشانگان ترک در زمان عدم دسترسی به اینترنت ۰/۸۰، کنترل بین فردی در فضای آنلاین ۰/۷۸، پیامدهای منفی مرتبط با استفاده از اینترنت ۰/۸۵ گزارش شد، و نمره کل مقیاس ۰/۹۳ محاسبه شد (۳۹). در پژوهشی دیگر Caplan «مقیاس کاربری مشکل زا از اینترنت» با نمونه ۲۵۱ تن از دانشجویان ایالات متحده آمریکا با میانگین سنی (۱۸ تا ۳۲ سال)، روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، ۷ عامل تایید شد و پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ بر روی نمونه فوق ۰/۸۷ گزارش شد (۴۱).

علوی و همکاران (۴۲) بررسی ویژگی‌های روانسنجی «مقیاس کاربری مشکل زا از اینترنت» را در ایران ترجمه و در نمونه ای با ۴۰۰ تن از دانشجویان شهر اصفهان که به روش نمونه گیری سهمیه ای از سایت‌های اینترنتی دانشگاه‌های شهر اصفهان انجام دادند. روایی سازه به روش همگرا برای مقیاس مذکور با «آزمون اختلال اعتیاد به اینترنت» (Internet Addiction Disorder Test) ۰/۵۵ و «آزمون اعتیاد به اینترنت یانگ» (Young Internet Addiction Test) ۰/۶۱، گزارش شد. همچنین، پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ با نمونه پژوهش برای زیر مقیاس‌های مذکور به ترتیب تغییرات در خلق ۰/۷۵، منافع اجتماعی دریافت شده از فضای آنلاین ۰/۷۹، کاربری اجباری اینترنت ۰/۵۸، صرف وقت زیاد به صورت آنلاین ۰/۷۴، نشانگان ترک در زمان عدم دسترسی به اینترنت ۰/۷۶، کنترل بین فردی در فضای آنلاین ۰/۷۷، پیامدهای منفی مرتبط با استفاده از اینترنت ۰/۷۲ و نمره کل مقیاس ۰/۹۰ محاسبه شد. غفاری و احدی در سال ۱۳۸۶ در پژوهش خود «مقیاس کاربری مشکل زا از اینترنت» روایی سازه به روش تحلیل عاملی تأییدی را برای یک نمونه با ۳۰ تن

به صورت آنلاین و از طریق شبکه های اجتماعی از قبیل اینستاگرام، واتساپ و تلگرام به اشتراک گذاشته شدند، به همین منظور سوالات پرسشنامهها در سامانه گوگل فرم (سامانه ای برای طراحی آزمون و نظرسنجی بکار برده می شود) طراحی شده بودند و به همراه فرم رضایت آگاهانه که تکمیل پرسشنامه ها ۲۰ تا ۳۰ دقیقه زمان می برد، و جمع آوری داده ها به مدت ۳ ماه در تابستان سال ۱۴۰۰ به طول انجامید و به شیوه الکترونیکی انجام شد و لینک پرسشنامه در شبکه های اجتماعی اشتراک گذاری گردید. در این پژوهش اصول اخلاقی پژوهش از جمله رازداری، محرمانه ماندن اطلاعات رعایت و هیچ گونه آسیب احتمالی برای آزمودنی ها نداشته است.

به منظور تحلیل آماری داده ها، در بخش توصیفی از شاخص های میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی استفاده شد، در بخش استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون، الگوی معادلات ساختاری، آزمون بوت استروپ (برای ارزیابی روابط میانجی) و تحلیل چندگروهی (برای ارزیابی اثر تعدیل گر جنسیت) استفاده شد. تحلیل داده ها در نرم افزارهای اس پی اس نسخه ۲۴ و اموس نسخه ۲۴ انجام شد.

یافته ها

در این مطالعه ۱۵۰ مرد و ۱۴۸ زن حضور داشتند. از نظر وضعیت تاهل، در گروه زنان ۸۴ تن (۵۶/۸ درصد) مجرد و ۶۴ تن (۴۳/۲ درصد) متاهل بودند، و در گروه مردان ۷۶ تن (۵۰/۷ درصد) مجرد و ۷۴ تن (۴۹/۳ درصد) متاهل حضور داشتند. همچنین، از نظر دوره سنی، در گروه زنان ۳۲ تن (۲۱/۶ درصد) در دامنه ۱۸-۲۵ سال، ۶۶ تن (۴۴/۶ درصد) در دامنه ۲۶-۳۵ سال، ۳۶ تن (۲۴/۳ درصد) در دامنه ۳۶-۴۵ سال، و ۱۴ تن (۹/۵ درصد) در دامنه ۴۶-۵۵ سال قرار داشتند؛ و در گروه مردان ۳۸ تن (۲۵/۳ درصد) در گروه ۱۸-۲۵ سال، ۴۴ تن (۲۹/۳ درصد) در گروه ۲۶-۳۵ سال، ۵۲ تن (۳۴/۷ درصد) در گروه ۳۶-۴۵ سال، و ۱۶ تن (۱۰/۷ درصد) در گروه ۴۶-۵۵ سال قرار دارند. یافته های توصیفی و ضرایب همبستگی میان متغیرها در (جدول ۱) گزارش شده است.

در سال ۱۳۸۷ مورد بررسی قرار دادند. روایی ملاک به روش روایی همزمان از طریق همبستگی بین «مقیاس نگرش های ناکارآمد» (Dysfunctional Attitudes Scale) و «پرسشنامه عزت نفس» (Self-Esteem Questionnaire) به ترتیب ۰/۵۹ و ۰/۵۸- به دست آمد. همچنین، پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ روی نمونه پژوهش برای زیر مقیاس های مذکور به ترتیب روابط میان فردی ۰/۸۴، تصور از خود ۰/۸۷، پیشرفت ۰/۷۹، احساسات ۰/۹۱ و برای نمره کل مقیاس مذکور ۰/۹۳ گزارش شد (۲۸). در پژوهش محمدپناه اردکان و یوسفی «مقیاس باورها در مورد ظاهر» با نمونه گیری در دسترس ۲ گروه ۵۰ تن متشکل از افرادی که داوطلب انجام جراحی زیبایی به کلینیک های زیبایی شهر تبریز مراجعه و افراد غیرداوطلب در سال ۱۳۹۰، روایی ملاک به روش روایی همزمان برای مقیاس مذکور با مقیاس های مرتبط با بدن از جمله «شاخص توده بدنی» (Body Mass Index) و «مقیاس چند بعدی ارتباط خود-بدن» (Multidimensional Body-Self Relations Questionnaire) به ترتیب ۰/۱۰ و ۰/۰۸- گزارش شد. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ بر روی نمونه فوق ۰/۸۶ بود (۳۰).

در پژوهش حاضر، روایی محتوا به روش کیفی «سیاهه خودشیفتگی مرضی»، «مقیاس آگاهی از تن شیء انگاری»، «مقیاس کاربری مشکل زا از اینترنت» و «مقیاس باورها در مورد ظاهر» مورد تأیید ۱۰ تن، از مدرسین هیأت علمی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز قرار گرفت. سپس پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ روی آزمودنی های پژوهش حاضر (۲۹۸ تن زنان و مردان بالای ۱۸ سال شهر اهواز) بررسی و برای «سیاهه خودشیفتگی مرضی»، ۰/۹۵، «مقیاس آگاهی از تن شیء انگاری» ۰/۸۸، «مقیاس کاربری مشکل زا از اینترنت» ۰/۹۱ و «مقیاس باورها در مورد ظاهر» ۰/۹۳ نشان داد.

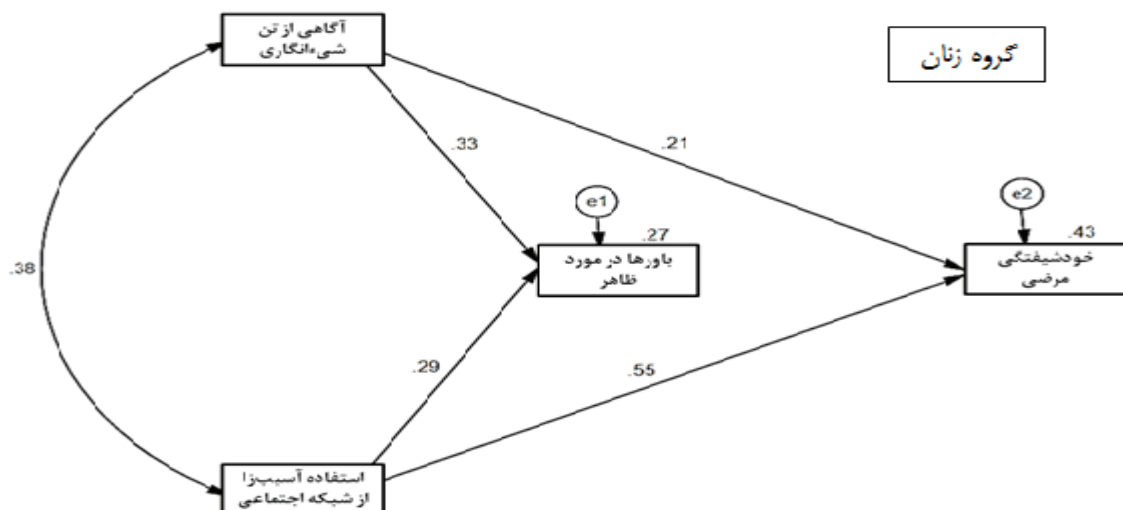
به منظور جمع آوری داده ها، ابتدا کد اخلاق از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز دریافت شد. به دلیل اپیدمی کووید ۱۹ نمونه گیری و تکمیل پرسشنامه ها

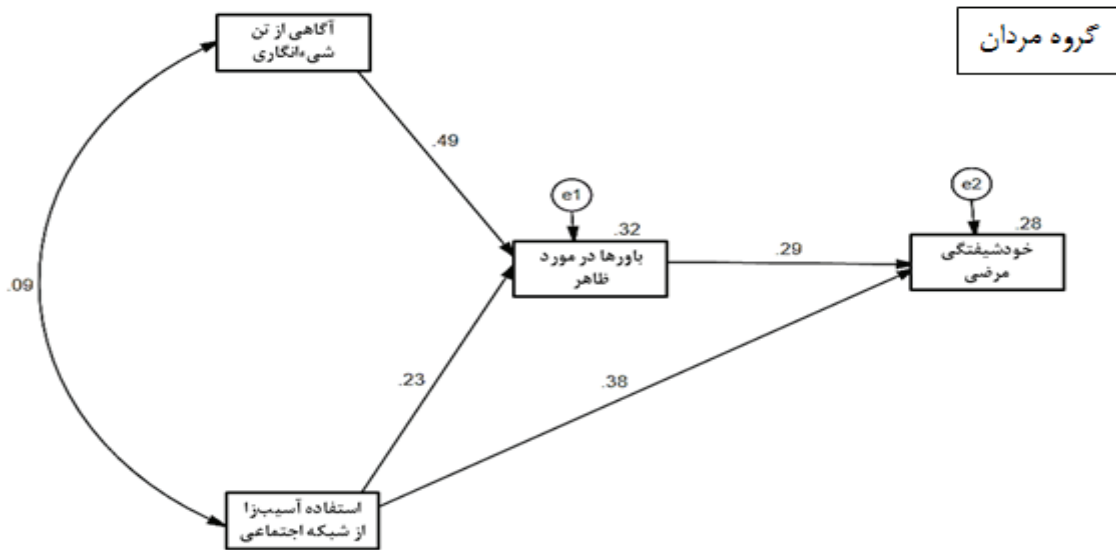
جدول ۱: شاخص های توصیفی و همبستگی میان متغیرها در گروه زنان و مردان

میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	ضرایب همبستگی			
				۱	۲	۳	
۱۰۵/۳۸	۳۹/۵۵	۰/۴۲	-۰/۰۶				زن
۱۲۳/۸۶	۳۸/۷۴	-۰/۱۵	-۰/۳۵				مرد
۲۷/۳۵	۱۲/۹۳	۰/۱۸	-۰/۲۷	۰/۳۸**			زن
۳۰/۱۷	۱۳/۲۲	-۰/۰۱	-۰/۴۷	۰/۳۹**	۰/۳۸**		مرد
۹۱/۸۴	۱۳/۵۰	۰/۰۲	-۰/۹۹	۰/۴۱**	۰/۴۴**		زن
۹۱/۴۲	۱۱/۷۵	۰/۰۷	-۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۵۲**		مرد
۱۰۸/۳۸	۲۶/۹۲	۰/۵۲	-۰/۱۲	۰/۶۳**	۰/۴۲**	۰/۳۸**	زن
۱۲۴/۰۷	۲۸/۳۷	۰/۳۱	-۰/۶۹	۰/۴۶**	۰/۲۸**	۰/۰۹	مرد

مورد ظاهر در گروه زنان ۰/۴۲ و در گروه مردها ۰/۲۸ محاسبه شد که مثبت و معنادار بود ($P < ۰/۰۱$). افزون بر این، ضریب همبستگی میان متغیرهای پیش بین (آسیب زنا از شبکه های اجتماعی و آگاهی از تن شیء انگاری) در گروه زنان ۰/۳۸ ($P < ۰/۰۱$) که مثبت و معنادار بود و در گروه مردان ۰/۰۹ و غیرمعنادار بود. بنابراین، با توجه به اینکه ضریب همبستگی میان متغیرهای پیش بین در هر ۲ گروه زنان و مردان کمتر از ۰/۸۰ به دست آمد مفروضه هم خطی رعایت شده است. در ادامه به روش الگوی معادلات ساختاری به ارزیابی الگوی مفهومی اولیه با توجه به اینکه مسیر باورها در مورد ظاهر به سمت خودشیفتگی مرضی در گروه زنان، و نیز مسیر آگاهی از تن شیء انگاری به سمت خودشیفتگی مرضی در گروه مردان معنادار نبود ($P > ۰/۰۵$)، و موجب تضعیف برازش الگو در گروه زنان و مردان شدند، این مسیرها از الگو حذف گردید و الگوی اصلاح شده در هر ۲ گروه مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفت.

طبق جدول ۱، با توجه به اینکه مقادیر چولگی و همچنین کشیدگی همه متغیرها در دامنه $±۱$ قرار دارد می توان گفت این متغیرها از توزیع نرمالی برخوردار هستند. بعلاوه، نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که همبستگی بین باورها در مورد ظاهر با خودشیفتگی مرضی در زنان $I = ۰/۳۸$ و در مردان $I = ۰/۳۹$ به دست آمد که مثبت و معنادار بود ($P < ۰/۰۱$). ضریب همبستگی بین آگاهی از تن شیء انگاری با خودشیفتگی مرضی در زنان $I = ۰/۴۱$ بود که مثبت و معنادار بود ($P < ۰/۰۱$)، اما در گروه مردان معنادار نبود. ضریب همبستگی بین استفاده آسیب زنا از شبکه های اجتماعی و خودشیفتگی در زنان $I = ۰/۶۳$ و در مردان $I = ۰/۴۶$ محاسبه شد که مثبت و معنادار بود ($P < ۰/۰۱$). همچنین، ضریب همبستگی میان آگاهی از تن شیء انگاری و باورها در مورد ظاهر در گروه زنان ۰/۴۴ و در مردان ۰/۵۲ به دست آمد که مثبت و معنادار بود ($P < ۰/۰۱$)؛ و ضریب همبستگی بین استفاده آسیب زنا از شبکه های اجتماعی و باورها در





شکل ۱: الگوی اصلاح شده گروه زنان (بالا) و مردان (پایین) در حالت ضرایب استاندارد

استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی به سمت خودشیفتگی مرضی $0/38$ شد ($P=0/001$)؛ ضریب استاندارد مسیر آگاهی از تن شیء‌انگاری به سمت باورها در مورد ظاهر $0/49$ شد ($P=0/001$)؛ ضریب استاندارد مسیر آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی به سمت باورها در مورد ظاهر $0/23$ شد ($P=0/001$)؛ و ضریب استاندارد مسیر باورها در مورد ظاهر به سمت خودشیفتگی مرضی $0/29$ شد ($P=0/002$). اما همان‌طور که مشاهده می‌شود چون مسیر آگاهی از تن شیء‌انگاری به سمت خودشیفتگی مرضی معنادار نبود از الگوی اصلاح شده حذف گردید.

در ادامه، نتایج حاصل از ارزیابی روابط میانجی گروه مردان با استفاده از روش بوت استرپ قابل مشاهده است (جدول ۲).

طبق شکل ۱، در گروه زنان (بالا)، ضریب استاندارد مسیر آگاهی از تن شیء‌انگاری به سمت خودشیفتگی مرضی $0/21$ شد ($P=0/002$)؛ ضریب استاندارد مسیر استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی به سمت خودشیفتگی مرضی $0/55$ شد ($P=0/001$)؛ ضریب استاندارد مسیر آگاهی از تن شیء‌انگاری به سمت باورها در مورد ظاهر $0/33$ شد ($P=0/001$)؛ و ضریب استاندارد مسیر استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی به سمت باورها در مورد ظاهر $0/29$ شد ($P=0/001$). اما همان‌طور که مشاهده می‌شود چون مسیر باورها در مورد ظاهر به سمت خودشیفتگی مرضی معنادار نبود از الگو اصلاح شده حذف گردید. بنابراین، روابط میانجی در گروه زنان بررسی قابل نبود و فرض مرتبط با مسیر میانجی در گروه زنان تایید نشد.

شکل ۱، در گروه مردان (پایین)، ضریب استاندارد مسیر

جدول ۲: ارزیابی اثرات میانجی به روش بوت استرپ در گروه مردان

جنسیت	پیشین	میانجی	ملاک	ضریب استاندارد	خطا	حد پایین	حد بالا	P-value
مردان	آگاهی از تن شیء‌انگاری	باورها در مورد ظاهر	خودشیفتگی مرضی	$0/14$	$0/04$	$0/07$	$0/23$	$0/001$
	استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی	باورها در مورد ظاهر	خودشیفتگی مرضی	$0/07$	$0/02$	$0/02$	$0/12$	$0/001$
زنان	آگاهی از تن شیء‌انگاری	باورها در مورد ظاهر	خودشیفتگی مرضی	—	—	—	—	معنادار نشد
	استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی	باورها در مورد ظاهر	خودشیفتگی مرضی	—	—	—	—	معنادار نشد

میانجی می‌کند. به علاوه، برای ارزیابی نقش تعدیل‌گر جنسیت صرفاً مسیرهایی مورد ارزیابی قرار گرفتند که در هر ۲ الگوی اصلاح شده زنان و مردان حضور داشتند، زیرا برای اینکه بتوان اثر تعدیل‌گر جنسیت بر یک مسیر معین

طبق نتایج جدول ۲، نتایج آزمون بوت استرپ نشان داد که در گروه مردان متغیر باورها در مورد ظاهر به طور معناداری اثر ۲ متغیر آگاهی از تن شیء‌انگاری و استفاده آسیب‌زا از شبکه‌های اجتماعی بر خودشیفتگی مرضی را

را ارزیابی کرد لازم است آن مسیر معین در الگوی اصلاح شده ی هر ۲ گروه زنان و مردان دارای مقدار باشد تا بتوان نیرومندی مقدار آن مسیر را در میان ۲ گروه مقایسه کرد.

جدول ۳: شاخص های برازش الگو های اصلاح شده در گروه زنان و مردان (سمت راست) و نتایج ارزیابی اثر تعدیل گر جنسیت بر روابط میان متغیرها (سمت چپ) در الگوی اصلاح شده

P value	شاخص های تعدیل گر جنسیت		شاخص های برازش			
	مقدار بحرانی	مسیر	نقطه برش	مردان	زنان	شاخص
۰/۰۲۵	۲/۲۶	باورها در مورد ظاهر << باورهای تن شی انگاری	کمتر از ۳	۰/۸۱	۶۰/۱	مجذور کای (CMIN)
۰/۵۲۵	۰/۶۴	باورها در استفاده آسیبزا از شبکه های اجتماعی << مورد ظاهر	کمتر از ۳	۱	۱	درجه آزادی (DF)
۰/۰۳۷	۲/۱۰	باورها در استفاده آسیبزا از شبکه های اجتماعی << خودشیفتگی مرضی	کمتر از ۳	۰/۸۱	۶۰/۱	شاخص هنجار شده مجذور کای (CMIN/DF)
			کوچکتر از ۰/۰۸	۰/۰۲۳	۰/۰۶۴	شاخص جذر میانگین مجزورات خطا (RMSEA)
			بالاتر از ۰/۹	۰/۹۹	۰/۹۹	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
			بالاتر از ۰/۹	۰/۹۹	۰/۹۹	شاخص نیکویی برازش (GFI)
			بالاتر از ۰/۹	۰/۹۹	۰/۹۹	شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)
			بالاتر از ۰/۹	۰/۹۴	۰/۹۴	شاخص برازش نسبی (RFI)
			بالاتر از ۰/۹	۰/۹۴	۰/۹۴	شاخص توکر-لویس (TLI)

نتایج جدول ۳ (سمت چپ) نشان می دهد که جنسیت به طور معناداری تعدیل کننده اثر آگاهی از تن شی-انگاری بر باورها در مورد ظاهر است ($t\text{-value}=۲/۲۶, P=۰/۰۲۵$). بدین صورت که آگاهی از تن شی-انگاری در گروه مردان اثر علی نیرومندتری بر باورها در مورد ظاهر دارد. همچنین، جنسیت اثر استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی بر خودشیفتگی مرضی را به طور معناداری تعدیل کرد ($t\text{-value}=۲/۱۰, P=۰/۰۳۷$). بدین صورت که استفاده ی آسیب زا از شبکه های اجتماعی در میان زنان اثر علی نیرومندتری بر خودشیفتگی مرضی دارد. اما جنسیت نتوانست اثر علی استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی بر باورها در مورد ظاهر را تعدیل کند.

نتایج جدول ۳ (سمت راست) در الگوی اصلاح شده مربوط به زنان مقدار شاخص $df/CMIN$ (کمتر از ۳) در حد مطلوب، مقدار هر یک از شاخص های $NFI, NNFI, IFI, GFI$ و CFI (بالاتر از ۰/۹) در حد مطلوب و مقدار $RMSEA$ (کوچک تر از ۰/۰۸) در حد مطلوب به دست آمد. این مقادیر بیانگر برازش مطلوب الگوی تحلیل مسیر پژوهش حاضر در گروه زنان است. و در ادامه در الگوی مربوط به مردان مقدار شاخص $df/CMIN$ (کمتر از ۳) در حد مطلوب، مقدار هر یک از شاخص های $NFI, NNFI, IFI, GFI$ و CFI (بالاتر از ۰/۹) در حد مطلوب و مقدار $RMSEA$ (کوچک تر از ۰/۰۸) در حد مطلوب محاسبه شد که نشان دهنده برازش مطلوب الگوی اصلاح شده در این گروه است.

ویژگی های درونی دارند، و این باور که آن ها مسئول ظاهر فیزیکی خود هستند و اینکه، آن ها می توانند با تلاش کافی، مطابق با استانداردهای فرهنگی این باورها را کنترل کنند، متناسب است (۱۰). بنابراین، براساس نتایج پژوهش حاضر، زنانی که خود را بیشتر به مثابه یک شیء می انگارند، افراد را مسئول نگاه بدنی خود می دانند و مدام در تلاش هستند تا ظاهر جسمی خود را کنترل کنند تا از قضاوت های منفی جلوگیری نموده و مطابق با استانداردهای فرهنگی خود را ارائه نماید، بیشتر در معرض مشکلات روانشناختی از جمله خودشیفتگی می باشند.

دومین یافته پژوهش حاضر نشان داد، بین آگاهی از تن شیء انگاری با باورها در مورد ظاهر در گروه زنان و مردان همبستگی معنادار می باشد. در جستجوی پیشینه، پژوهشی جهت مقایسه با این یافته پژوهش حاضر که به طور اخص به مطالعه رابطه بین آگاهی از تن شیء انگاری و باورها در مورد ظاهر در دسترس پژوهشگر قرار نگرفت. با این حال، در تبیین این یافته، بنا به تعریف نظریه شیء انگاری که معتقدند اند، زنان و دختران با خود همانند یک شیء رفتار می کنند که مردان همواره باید به آن ها نگاه کنند یا آن ها را از نظر جنسی ارزیابی کنند (۷)، همچنین، باورها در مورد ظاهر یک سازه روانشناختی می باشد که ارتباط بین تصویر بدنی و طرحواره های ظاهر که از نگرش های ناکارآمد غیر منطقی ساخته می شود را مشخص می کند (۲۷). بنابراین، می توان نتیجه گرفت هرچه سطح تن شیء انگاری افرادی بالاتر باشد، باورهای ناکارآمد در مورد ظاهر نیز افزایش می یابد. سومین یافته پژوهش حاضر نشان داد، بین استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی با خودشیفتگی مرضی در گروه زنان و مردان به ویژه بیشتر در گروه زنان، همبستگی معنادار و مثبت وجود دارد، این یافته با نتایج پژوهش های Boursier & Manna (۱۱) و همکاران (۲۱)، Barry و همکاران (۲۳) همسو و هماهنگ می باشد. در تبیین این یافته می توان اظهار نمود، استفاده بیش از پیش و محبوبیت فراوان شبکه های اجتماعی (۵، ۱۵، ۱۶)، پژوهش های جدیدی به بررسی شبکه های اجتماعی آسیب زا و خود شیفتگی پرداخته و رابطه بین آن ها را تایید کرده است (۱۲، ۲۱، ۲۳). بنابراین، می توان نتیجه گرفت سایت های شبکه های اجتماعی، فرصت نمایش برای بزرگ نمایی افراد، بخصوص برای دستیابی به اهداف خودشیفتگی، با توجه به فرصت

مطالعه حاضر با هدف تعیین الگوی معادلات ساختاری خودشیفتگی مرضی براساس آگاهی از تن شیء انگاری و استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی با میانجی گری باورها در مورد ظاهر در زنان و مردان انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد تمام مسیرهای مستقیم با خودشیفتگی مرضی در گروه زنان معنادار شدند، اما مسیر مستقیم آگاهی از تن شیء انگاری با خودشیفتگی مرضی در گروه مردان معنادار نشد. همچنین، در مسیرهای غیر مستقیم متغیر باورها در مورد ظاهر به طور معناداری اثر ۲ متغیر آگاهی از تن شیء انگاری و استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی بر خودشیفتگی مرضی در گروه مردان را میانجی می کند، در صورتی که در گروه زنان متغیر باورها در مورد ظاهر در نقش میانجی معنادار نشد. نتایج نشان داد که الگوی ارائه شده از برازش مطلوبی در هر ۲ گروه مردان و زنان برخوردار بود. در پژوهش های اخیر، پژوهشی یافت نشده که عیناً به این الگو پرداخته باشند.

اولین یافته پژوهش نشان داد، بین آگاهی از تن شیء انگاری با خودشیفتگی مرضی در گروه زنان همبستگی معنادار می باشد. این یافته با نتایج پژوهش های اقرلو و همکاران (۱۱)، Boursier & Manna (۱۳) که بیانگر همبستگی آگاهی از تن شیء انگاری با خودشیفتگی مرضی است، هماهنگ و همسو می باشد. در صورتی که در گروه مردان همبستگی بین آگاهی از تن شیء انگاری با خودشیفتگی مرضی معنادار نمی باشد، این یافته با نتایج پژوهش های Karsay و همکاران (۸)، Boursier & Manna (۱۲) ناهمسو و ناهماهنگ می باشد. در واقع، در پژوهش حاضر بین آگاهی از تن شیء انگاری با خودشیفتگی مرضی در گروه مردان همبستگی معنادار به صورت غیرمستقیم وجود دارد. در تبیین این یافته می توان اظهار داشت همانطور که نتایج پژوهش های اقرلو و همکاران (۱۱)، Boursier & Manna (۱۳) نشان می دهند بین خودشیفتگی با خودشیء انگاری و زیر مقیاس های آن همبستگی وجود دارد. همچنین از نظر آماری تفاوت های جنسیتی قابل توجهی در مورد آگاهی از تن شیء انگاری با خودشیفتگی مرضی کمتر گزارش شده، به خصوص در جامعه ایرانی و به ویژه در گروه مردان هیچ گزارشی نشده است. اینگونه به نظر می رسد که این نتیجه با نظریه آگاهی از تن شیء انگاری که بر اساس این فرض اساسی است که زنان، بیش از مردان،

پژوهشگر قرار نگرفت. در تبیین این یافته می توان اظهار داشت، هنگامی که افراد با خود همانند یک شیء رفتار می کنند (۷)، تن شیء انگاری بالا موجب می شود در افراد توجه به ظاهر و زیبایی های چهره و اندام از اهمیت به سزایی برخوردار باشد که منجر به افزایش باورهای ناکارآمد درمورد ظاهر می شود و به موجب آن نیز خودشیفتگی افزایش می یابد.

درنهایت یافته دیگر پژوهش نشان داد، نقش میانجی باورها در مورد ظاهر در رابطه بین استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی با خودشیفتگی مرضی در گروه مردان معنادار می باشد اما در گروه زنان معنادار نشد. این یافته با پژوهش Barry و همکاران (۲۳) که نشان دادند ارتباط قابل توجهی بین خودشیفتگی و متغیرهای مربوط به باورها در مورد ظاهر، که توسط انجام اقدامات مرتبط با شبکه های اجتماعی آسیب زا را تأیید می کند هماهنگ و همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان اظهار داشت، استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی می تواند باورهای ناکارآمد ظاهر و تصویر بدنی را افزایش دهد که بیشتر در افراد با ویژگی های خودشیفتگی دیده می شود.

همچنین، نتایج بدست آمده از این مطالعه، بعضی از موارد جدید و موارد قبلاً گزارش نشده را ارائه نموده است. این نتایج، ارتباط بین خودشیفتگی مرضی با شبکه های اجتماعی آنلاین آسیب زا و آگاهی از تن شیء انگاری به واسطه باورها در مورد ظاهر در زنان و مردان نشان می دهد که جنسیت به طور معناداری تعدیل کننده ی اثر آگاهی از تن شیء انگاری بر باورها در مورد ظاهر است، بدین صورت که آگاهی از تن شیء انگاری در گروه مردان اثر علی نیرومندتری بر باورها در مورد ظاهر دارد. همچنین، جنسیت اثر استفاده ی آسیب زا از شبکه های اجتماعی بر خودشیفتگی مرضی را به طور معناداری تعدیل کرد، بدین صورت که استفاده ی آسیب زا از شبکه های اجتماعی در میان زنان اثر علی نیرومندتری بر خودشیفتگی مرضی دارد. اما جنسیت نتوانست اثر علی استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی بر باورها در مورد ظاهر را تعدیل کند. بنابراین، در تبیین این نتایج می توان گفت شبکه های اجتماعی آسیب زا ملزومات حضور پررنگ افراد خودشیفته را بهتر فراهم می کنند، همانطور که در مطالعات Boursier & Manna (۱۲)، Casale و همکاران (۲۴)، Davenport و همکاران (۲۶) نشان داده شد. به علاوه به طور اخص و همانطور که در

کنترل ارائه خود در این بسترها ارائه می نمایند (۱۲،۲۴). چهارمین یافته پژوهش نشان داد، بین استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی با باورها در مورد ظاهر در گروه زنان و مردان همبستگی معنادار می باشد. در جستجوی پیشینه، پژوهشی جهت مقایسه با این یافته پژوهش حاضر که به طور اخص به مطالعه رابطه بین استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی با باورها در مورد ظاهر در دسترس پژوهشگر قرار نگرفت. با این حال، در تبیین این یافته، نتایج بدست آمده در پژوهش های Boursier & Manna (۱۲،۱۳) نشان دادند که زنان بیشتر از مردان درگیری در مورد نگرانی های مربوط به ظاهر بدن و همچنین، روش های مربوط به تهیه تصویر از خود، در سایت های شبکه های اجتماعی تأیید می کند. بنابراین استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی می تواند باورهای ناکارآمد در مورد ظاهر را تقویت کند.

یافته پنجم پژوهش نشان داد، باورها در مورد ظاهر با خودشیفتگی مرضی در گروه مردان همبستگی معنادار می باشد اما در گروه زنان معنادار نشد. این یافته با پژوهش یوسفی (۳۱) در گروه مردان همسو و هماهنگ می باشد. در پژوهش ذکر شده گروه های مورد هدف ورزشکاران حرفه ای و مبتدی بودند با درصد بالای میانگین سنی (۱۸ تا ۲۲ سال) و تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم، درحالی که پژوهش حاضر درصد بالای میانگین سنی (۲۶ تا ۳۵ سال) با تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند. از این رو می توان نتیجه گرفت که جنس، سن، وضعیت تاهل و تحصیلات می توانند بر معنادار بودن رابطه تاثیر گذار باشند. در تبیین این یافته می توان اظهار داشت، افراد خودشیفته نیاز به خودنمایشگری و کسب تایید بیشتر دارند (۳،۴). لذا تصویر بدنی برای آن ها مهمتر و تلاش بیشتری برای بهبود آن می کنند، بنابراین، می توان نتیجه گرفت با افزایش خودشیفتگی باورهای ناکارآمد درمورد ظاهر نیز افزایش می یابد. همانطور که از پیشتر گفته شد، متغیر باورها در مورد ظاهر، از موضوعات کمتر مورد مطالعه قرار گرفته شده است که در این پژوهش به عنوان متغیر میانجی بررسی شد.

یافته ششم پژوهش نشان داد، نقش میانجی باورها در مورد ظاهر در رابطه بین آگاهی از تن شیء انگاری با خودشیفتگی مرضی در گروه مردان معنادار می باشد، اما در گروه زنان معنادار نشد. پژوهشی جهت مقایسه با این یافته در دسترس

سایر شهرها محدود می سازد، نمونه گیری آنلاین و جمع آوری اطلاعات به شیوهی خودگزارشی که ممکن است در اطلاعات به دست آمده سوگیری ایجاد کرده باشد.

سیاسگری

این مقاله برگرفته از رساله دکتری سارا رضانی سولگانی با راهنمایی آقای دکتر رضا جوهری فرد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز است که با کد پژوهشی ۹۷۰۰۰۳۳۱۳ در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۹ در شورای پژوهشی دانشگاه به تصویب رسیده است. این پژوهش مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۸ در کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز مورد بررسی قرار گرفت و با شناسه IR.IAU.AHVAZ.REC.1400.036 به ثبت رسید.

تضاد منافع

نویسندگان مقاله حاضر هیچ گونه تضاد منافی گزارش نکردند.

References

1. Miller JD, Lynam DR, Hyatt CS, Campbell WK. Controversies in narcissism. *Annual Review of Clinical Psychology*. 2017 ; 8(13):291-315. <https://doi.org/10.1146/annurev-clinpsy-032816-045244>
2. Safaeian E, khodabakhsh Pirkhany R. [Comparing the defense styles and the self-conscious affect of shame and guilt in subtypes of narcissism and comparison with ordinary people]. *Journal of Psychological Studies*, 2020;15(4):7-24. https://psychstudies.alzahra.ac.ir/article_4612.html?lang=en
3. Morf CC, Rhodewalt F. Unraveling the paradoxes of narcissism: A dynamic Self-Regulatory Processing Model. *Psychological Inquiry*. 2009;12(4):177-96. https://doi.org/10.1207/S15327965PLI1204_1
4. Arjmand S, Mirzahoseini H, Zargham Hajebi M. [Comparison of self-esteem and interpersonal problems of medical students with maladaptive narcissism, adaptive narcissism and normal]. *Scientific Journal of Social Psychology*. 2021; 9 (59): 143-160. http://psychology.iauhvaz.ac.ir/article_681388.html
5. Boursier V, Gioia F, Griffiths MD. Selfie-engagement on Social Media: Pathological narcissism, positive expectation, and body objectification-which is more influential? *Addictive Behaviors Reports*. 2020 ;1(11):1-10.

مطالعات پیشین نشان دادند اقرلو و همکاران (۱۱)، Boursier & Manna (۱۳) در گروه زنان با تجارب درمورد خود شی انگاری و آگاهی از تن شی انگاری (۱۳،۱۴،۱۷،۱۸،۱۹)، می تواند منجر به خودشیفتگی شود.

نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد، باورها در مورد ظاهر به طور معناداری آگاهی از تن شی انگاری و استفاده آسیب زا از شبکه های اجتماعی با خودشیفتگی مرضی در گروه مردان را میانجی می کند، در صورتی که در گروه زنان میانجی نشد. از این رو پیشنهاد می شود که روانشناسان و سایر ارائه دهندگان سلامت با تدوین برنامه های درمانی با توجه به متغیرهای ذکر شده از خودشیفتگی مرضی، تن شی انگاری، شبکه های اجتماعی آسیب زا و باورهای ناکارآمد و غلط در مورد ظاهر پیشگیری کنند. این پژوهش دارای محدودیت هایی بوده است، از جمله محدود شدن جامعه پژوهش به زنان و مردان شهر اهواز که تعمیم نتایج را با

<https://doi.org/10.1016/j.abrep.2020.100263>

6. Khakbaz S, Safarinia M, Akhondi N. [The relationship between Body seemed to object with Psychological well-being and Mediate sexual self-esteem in women referring to Tehran's Beauty Clinics]. Thesis submitted for the award of Master of M.A. in Psychology, Kish: Payame Noor University of Hormozgan Province, Kish International Payame Noor Center, 2016.
7. Fredrickson BL, Roberts TA. Objectification Theory: Toward understanding women's lived experiences and mental health risks. *Psychology of Women Quarterly*. 1997 ;21(2):173-206. <https://doi.org/10.1111/j.1471-6402.1997.tb00108.x>
8. Karsay K, Knoll J, Matthes J. Sexualizing media use and self-objectification: A meta-analysis. *Psychology of Women Quarterly*. 2018;42(1):9-28. <https://doi.org/10.1177/0361684317743019>
9. Holland G, Tiggemann M. A systematic review of the impact of the use of social networking sites on body image and disordered eating outcomes. *Body Image*. 2016;17(1):100-110. <https://doi.org/10.1016/j.bodyim.2016.02.008>
10. McKinley NM, Hyde JS. The Objectified Body Consciousness Scale: Development and validation. *Psychology of Women Quarterly*. 1996; 20 (2):181-215. <https://doi.org/10.1111/j.1471-6402.1996>

- [tb00467.x](#)
11. Aqrloo M, Safarinia M, Alipour A. [The relationship between narcissism with self-objectification and sexual self-esteem in married female students of Payame Noor University of Kish]. Thesis submitted for the award of Master of M.A. in Psychology, Kish: Payame Noor University of Hormozgan Province, Kish International Payame Noor Center, 2017.
 12. Boursier V, Manna V. Selfie expectancies among adolescents: Construction and validation of an instrument to assess expectancies toward selfies among boys and girls. *Frontiers in Psychology*. 2018; 9(1):1-14. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.00839>
 13. Boursier V, Manna V. Relational body identities: Body image control through self-portraits-A revision of the body image control in photos questionnaire. In *intimacy and developing personal relationships in the virtual world*, 2019 (pp. 40-63). IGI Global. <https://www.igi-global.com/chapter/relational-body-identities/207917>. https://doi.org/10.4018/978-1-5225-4047-2_ch003
 14. Manago AM, Ward LM, Lemm KM, Reed L, Seabrook R. Facebook involvement, objectified body consciousness, body shame, and sexual assertiveness in college women and men. *Sex Roles*. 2015;72(1):1-4. <https://doi.org/10.1007/s11199-014-0441-1>
 15. Gioia F, Griffiths MD, Boursier V. Adolescents' body shame and social networking sites: The mediating effect of body image control in photos. *Sex Roles*. 2020;83(11):773-785. <https://doi.org/10.1007/s11199-014-0441-1>
 16. D'Arienzo MC, Boursier V, Griffiths MD. Addiction to social media and attachment styles: A systematic literature review. *International Journal of Mental Health and Addiction*. 2019;17(4):1094-1118. <https://doi.org/10.1007/s11469-019-00082-5>
 17. Caso D, Fabbriatore R, Muti F, Starace C. Sessualizzazione e oggettivazione femminile su Instagram: Il ruolo delle Influencer. *Psicologia Sociale*. 2019;14(3):441-463.
 18. Cohen R, Newton-John T, Slater A. 'Selfie'-objectification: The role of selfies in self-objectification and disordered eating in young women. *Computers in Human Behavior*. 2018;79(1): 68-74. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2017.10.027>
 19. Bell BT, Cassarly JA, Dunbar L. Selfie-objectification: Self-objectification and positive feedback ("likes") are associated with frequency of posting sexually objectifying self-images on social media. *Body Image*. 2018 ; 1(26):83-89. <https://doi.org/10.1016/j.bodyim.2018.06.005>
 20. Mohtasham M, Bayani A, Ganji Q. [Investigating the relationship between Depression and Anxiety with Traumatic use of social networking among Female junior high school students district 7 of Mashhad]. Thesis submitted for the award of Master of M.A. in Psychology, Ministry of Science, Research and Technology East Golestan Higher Education Institute, 2020.
 21. Grieve R, March E, Watkinson J. Inauthentic self-presentation on facebook as a function of vulnerable Narcissism and lower self-esteem. *Computers in Human Behavior*. 2020 ; 1(102):144-150. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2019.08.020>
 22. Arpacı I, Yalçın SB, Baloğlu M, Kesici Ş. The moderating effect of gender in the relationship between narcissism and selfie-posting behavior. *Personality and Individual Differences*. 2018 ;1(134):71-74. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.06.006>
 23. Barry CT, Doucette H, Loflin DC, Rivera-Hudson N, Herrington LL. "Let me Take a Selfie": Associations between self-photography, narcissism, and self-esteem. *Psychology of Popular Media Culture*. 2017;6(1):48-60. <https://doi.org/10.1037/ppm0000089>
 24. Casale S, Fioravanti G, Rugai L. Grandiose and vulnerable narcissists: Who is at higher risk for social networking addiction? *Cyber Psychology, Behavior, and Social Networking*. 2016; 19 (8):510-515. <https://doi.org/10.1089/cyber.2016.0189>
 25. Brailovskaia J, Bierhoff HW. Cross-cultural narcissism on facebook: Relationship between self-presentation, social interaction and the open and covert narcissism on a social networking site in Germany and Russia. *Computers in Human Behavior*. 2016 ;1(55):251-257. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2015.09.018>
 26. Davenport SW, Bergman SM, Bergman JZ, Fearington ME. Twitter versus facebook: Exploring the role of narcissism in the motives and usage of different social media platforms. *Computers in Human Behavior*. 2014; 1(32):212-220. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2013.12.011>
 27. Spangler DL, Stice E. Validation of the Beliefs About Appearance Scale. *Cognitive Therapy and Research*. 2001;25(6):813-827. <https://doi.org/10.1023/A:1012931709434>
 28. Talepasand S, Bigdeli A, Fallah Z. [Psychometric properties of an Iranian version of the Beliefs

- About Appearance Scale]. *Koomesh*, 2011; 13(1): 14-22. <http://koomeshjournal.semums.ac.ir/article-1-1036-en.html>.
29. Abbasi Sarcheshmeh M, Mohammadpanah Ardakan A, Abbasi Sarcheshmeh A. [Comparison of believes about appearance, irrational beliefs and body mass index in those demanding cosmetic surgery with those who need it]. *Journal of Dermatology and Cosmetic*. 2016; 7(3): 156-162. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=310656>.
 30. Mohammadpanah Ardakan A, Yousefi R. [Assessment of believes about appearance and inferiority feeling in cosmetic surgery candidates]. *Dermatology and Cosmetic*. 2011; 2(2): 85-97. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=137465>.
 31. Yousef Y. [Comparison of narcissism and beliefs about appearance among Elite and Amateur body builders]. *Sport Psychology Studies*. 2014; 3(7):49-62. <https://civilica.com/doc/793511>
 32. Krejcie RV, Morgan DW. Determining sample size for research activities. *Educational and psychological measurement*. 1970 Sep;30(3):607-10. <https://doi.org/10.1177/001316447003000308>
 33. Pincus AL, Ansell EB, Pimentel CA, Cain NM, Wright AG, Levy KN. Initial construction and validation of the Pathological Narcissism Inventory. *Psychological Assessment*. 2009;21(3):365-379. <https://doi.org/10.1037/a0016530>
 34. Wright AG, Lukowitsky MR, Pincus AL, Conroy DE. The higher order factor structure and gender invariance of the Pathological Narcissism Inventory. *Assessment*. 2010;17(4):467-83. <https://doi.org/10.1177/1073191110373227>
 35. Soleimani M, Past N, Mowlai M, Mohammadi A, Dashtipoor M, Safa Y, Pincus Aaron L. [Psychometric properties of the Pathological Narcissism Inventory]. *Contemporary Psychology*. 2015; 10(1): 95-110. <https://www.sid.ir/en/Journal/ViewPaper.aspx?ID=464709>.
 36. Torshabi M, Rasoolzade Tabatabaei K, Besharat M, Asgari A. [Investigation of reliability and factor structure of the Persian version of Pathological Narcissism Inventory]. *Educational Measurement Allameh Tabataba'i University*, Summer 2016; (6)2:115-134. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=318689>
 37. McKinley NM. The developmental and cultural contexts of objectified body-consciousness: A longitudinal analysis of two cohorts of women. *Developmental Psychology*. 2006;42(4):679-678. <https://doi.org/10.1037/0012-1649.42.4.679>
 38. Aflakseir A, Ebrahimi F. [Self-objectification and its relationship with depression and self-esteem in a group of female students of Shiraz University]. *Psychological Studies of Women*. 2014; 12(1): 44-31. <http://ensani.ir/fa/article/332973>.
 39. Ghamarani A, Soltani F. [The relationship between self-objectification satisfaction of body image in girl students (12-15) of Isfahan]. *National Conference on Applied Research in Educational Sciences and Psychology and Social Injuries in Iran, Esfahan, Iran- 2015*. <https://civilica.com/doc/438407/>
 40. Caplan SE. Problematic internet use and psychosocial well-being: Development of a Theory-Based Cognitive-Behavioral Measurement Instrument. *Computers in Human Behavior*. 2002; 18(5):553-75. [https://doi.org/10.1016/S0747-5632\(02\)00004-3](https://doi.org/10.1016/S0747-5632(02)00004-3)
 41. Caplan SE. A social skill account of problematic internet use. *Journal of Communication*. 2005; 55(4):721-736. <https://doi.org/10.1111/j.1460-2466.2005.tb03019.x>
 42. Alavi S, Jannatifard F, Maracy M, Rezapour H. [The psychometric properties of Generalized Pathological Internet Use Scale(GPIUS) in internet users students of Isfahan universities]. *Knowledge&Research Applied Psychology*. 2009;11(40):38-51. http://jsr-p.khuisf.ac.ir/article_533760.html.
 43. Ghaffari M, Ahadi H. [A consideration of emotional self-awareness and impulse control effect on decrease of social withdrawal and compulsion use of internet]. *Psychological Studies Faculty of Education and Psychology, Al-Zahra University*. 2007;3(2): 91-107. https://psychstudies.alzahra.ac.ir/article_1697.html?lang=fa.
 44. Benuto L, Haboush A, Jones-Forrester S. Compensatory eefforts for body dissatisfaction: Some gender and ethnic differences. *The New School Psychology Bulletin*. 2007;5(2):19-25. <http://mail.nspb.net/index.php/nspb/article/view/34>. <https://doi.org/10.1037/e741502011-003>